

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ مارچ ۲۰۲۰

"عبدالله" فراموش و "غنی" هم "پقی" شده است!

چهارشنبه- ۱۴ حوت ۱۳۹۸ - کابل: در جهان کنونی در جمع سیاستمداران کمتر سیاست مدار مطرح و نامداری را می توان یافت که به یکی از امراض روانی دچار نباشد و دوست و دشمن از آن بابت متحمل رنج و مصیبت نگردند. تنها تفاوت در درجه و حدت و شدت مریضی است نه در موجودیت و یا عدم موجودیت آن. در یادداشت امروز شما را با مریضی مزمن "نارسیسیسم" یا "خود شیفتگی" در "ترمپ" آشنا می سازم. اما نخست:

"در روان شناسی خودشیفتگی یا نارسیسیسم بیانگر عشق افراطی به خود و تکیه بر [خودانگاشت های](#) درونی است. نارسیسیسم از ریشه لغت یونانی شده *نارسیس* ([نرگس](#)، اسطوره [نارسیسیوس](#)) گرفته شده است. نارسیس یا نرگس، مرد جوان خوب چهره ای بود که از عشق [اخو](#) (اکو) دوری کرد و برای همین محکوم به عشق ورزیدن به تصویر چهره خود در یک استخر آب گردید. نام [گل نرگس](#) برگرفته از این افسانه است. نارسیس وقتی به عشق خود (چهره انعکاس یافته خود) نمی رسد، آن قدر غمگین بر لب چشمه می نشیند تا تبدیل به گل می شود.

در [روانپزشکی](#) نیز نارسیسیسم افراطی براساس خصیصه های روانی و شخصیتی در عشق بیش از اندازه به خود و خودشیفتگی بی حد و حصر شناسائی می شود و آن را نوعی اختلال روانی می دانند. [فروید](#) عقیده داشت که بسیاری از خصیصه های خودشیفتگی با بشر به دنیا می آیند و او نخستین کسی بود که خودشیفتگی را با روانکاوی توضیح داد" و یکی پدیدیا-

هموطنان گرامی!

این مریضی که به استناد گفته برخی از روان شناسان همزاد پیدایش انسان بر روی کره زمین است و در تمام افراد بدون استثناء در حد و اندازه های معینی یعنی از میزان "مفید" تا "مضر" وجود دارد، زمانی به اختلال روانی تکامل می یابد که فرد مصاب به آن، چنان عاشق، شیفته و والای خود می گردد که نه تنها هیچ کسی را در حد و اندازه خود نمی بیند و به خود بزرگ بینی عقده مندانه سقوط می نماید، بلکه معتقد می گردد که این اوست که می تواند همه کارها را انجام دهد و در جهت تحمیل اراده اش هیچ هنجاری را نمی پذیرد. حاضر است از موضع یک انسان خود شیفته و کسی که قادر است هرکاری را انجام دهد با دشمنش بنشیند، صحبت کند و علی رغم نظر تمام جهان از بیهوده بودن چنان حرکتی آن را مثبت ارزیابی و به خورد مردم بدهد.

نمونه چنین حرکتی از همان دوران آغاز مبارزات انتخاباتی چهارسال قبل امریکا در "ترمپ" مشهود بود. از همین رو گاهی از سر و موبیش تعریف و تمجید می نمود و گاهی از قد و اندامش. این مریضی در عرصه مناسبات بین المللی زمانی خود را بیشتر نشان داد که "ترمپ" با باد به غیغب انداختن، قصد دیدار رهبر جوان کوریای شمالی "کیم جون اون" را کرد و بعد از دیدار چنان نشان داد که نه تنها "یک دل نه صد دل" عاشق وی می باشد، بلکه در جمع تمام رؤسای جمهور گذشته ایالات متحده امریکا هیچ کسی نبوده تا به چنان عمل معقول و شجاعانه ای دست یازد. این انسان خود شیفته نه تنها آنزمان ندانست که این جمهوری خلق چین بود که با یک حرکت تمام توطئه های سرمایه نظامی امریکا را به وسیله وی خنثا نمود، بلکه تا امروز فکر می کند، یکی از بزرگترین دستاوردهای دوران اقامتش در کاخ سفید، آن دیدار بیهوده بوده است.

همین خودشیفتگی باعث می شد که چندین بار و با عبارات متعدد عین تقاضا را برای دیدار با رهبر ایران نیز اعلام دارد، تقاضایی که از جانب مقابل پذیرفته نشد. آخرین مورد این "خودشیفتگی" و توهمی که گویا "وی قادر است تمام معضلات را با دیدار مستقیمش حل نماید" صحبت تیلیفونی وی با "ملا برادر" به اصطلاح معاون سیاسی طالب و اعلام این که "رابطه ام با ملا بسیار خوب است" می باشد.

این کودن سیاسی و مریض خودشیفته نمی خواهد بداند در افغانستانی که همین اکنون در زیر دو سنگ "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" دست و پای می زند، افزودن یک سنگ دیگر طالب، کشور ما را به کجا می رساند. تا جایی که از روند قضایا بر می آید، دقیقاً بعد از آن صحبت تیلیفونی نه تنها طالب حملاتش را از سر گرفت، بلکه "عباس ستانکزی" نیز تمام به اصطلاح احزاب سیاسی فعال در افغانستان را "بقه های سیاسی" اعلام داشت که هیچ نوع مشروعیتی ندارند توگویی طالب از مشروعیت لایتناهی برخوردار است.

هموطنان گرامی!

اگر من و تو سکوت نمائیم و سرکها را در زیر پیمان به لرزه نیندازیم و علیه این حالت استعمار شجاعانه نشوریم، مطمئن باش که حاکمیت دوسره، سه سره و چهارسره نیز شده، نه تنها زیر دو سنگ آسیاب آرد خواهیم شد، بلکه آرد ما نیز بار بار زیر سنگهای دیگری خواهد رفت تا کاملاً "میده بیزی" شده دیگر چیزی از ما یعنی "افغانستان و خلق آن" باقی نماند.

سرکها ما را می طلبد!